

غزل شماره ۱۴۲

دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد
شد سوی محتسب و کار به دستوری کرد

آمد از پرده به مجلس عرش پاک کنید
تا نگویند حریفان که چرا دوری کرد

مزدگانی بده ای دل که در مطرب عشق
راه مستانه زد و چاره مخموری کرد

نه به هفت آب، که رنکش به صد آتش نرود
آن چه با خرقة زاهد، می انگوری کرد

غنچه کلبن و صلح ز نیش بشکفت
مرغ خوشخوان طرب از برگ گل سوری کرد

حافظ اقلادگی از دست مده زان که حود
عرض و مال و دل و دین در سر مغزوری کرد

تفسیر فال

از اینکه مزدهی رسیدن به مقصود و هدف نهاییات را به تو داده‌اند، مغرور نشو و ایمان و اعتقاد خود را از دست نده. این مزده می‌تواند همچون چراغی در تاریکی باشد که راه را برای تو روشن می‌کند، اما لازم است که با احتیاط و سنجیدگی پیش بروی. مالت را بی‌خود به کسی نبخش؛ زیرا قدر و ارزش آن باید محترم شمرده شود. کمی خوددار باش، چرا که به دست آوردن هر چیزی حتی اگر در ابتدا آسان به نظر برسد، نیازمند تلاش و دقت است، اما نگهداشتن آن همیشه دشوارتر خواهد بود. باید آگاه باشی که موفقیت نه تنها در دستیابی به خواسته‌ها بلکه در حفظ آنها نیز نهفته است. همچنین یک حاجت دیگر هم داری که امیدوارم با تلاش مستمر و دعاهای قلبی‌ات، به آن مراد نیز برسی؛ زیرا استمرار در کوشش‌ها تو را به سرمنزل مقصود نزدیک‌تر خواهد کرد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)